

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۵ جنوری ۲۰۲۴



یونس نگاه

آسمان مهر و غضب ندارد

سال ۲۰۲۱ وقتی طالبان برگشتند، هر جا اعلام می‌کردند که حاکمیت آنان لطف خدا به حق مردم افغانستان است. فراوانی نسبی شهر و بازمانده‌های امکانات خارجی و دوران جمهوریت، به خصوص ادارات و امکانات پیشرفته، برای آنان و نزدیکان‌شان شوک‌آور بود. احتمالاً عده‌ای واقعاً باور کرده بودند که دست آسمان در کار است و دوران فراوانی و سیری در راه خواهد بود.

زمستان همان سال، برف هم بارید. مبلغان و مدیران ارشد طالب که بیشتر در مناطق گرمسیر و پاکستان به‌سر برده بودند، از دیدن دامنه‌های برفی کابل لذت بسیار می‌بردند. عده‌ای در همان روزها عکس و ویدیو نشر می‌کردند و برف‌باری را به حاکمیت طالبان و مهر آسمان ارتباط می‌دادند. بازهم شاید عده‌ای از آن مبلغان یا حداقل بخشی از مخاطبان‌شان باور کرده بودند که رخت جمهوریت جمع شده و امارت برگشته، پس خداوند مهربان‌تر شده و پس از این جوی‌ها پر آب خواهند شد و کندوها پر از آرد.

طالبان حرکت روستائی-ملائی است. آن‌عده طالبانی که در شهرها زندگی کرده‌اند به دلیل فرهنگ حاکم بر مدارس، شهری نشده‌اند. مدارس طالب‌زاد، در واقع حاصل واکنش اشرافیت فیودالی (خان و ملا) در برابر تغییرات بورژوائی است. طالبان زندگی بریده از چشمه و باغ و رمه را تصور نمی‌توانند. از این‌رو بنیادهای شهری زندگی را بی‌رحمانه ویران می‌کنند. مکتب و خدمات و آزادی‌های مدنی، بنیان‌های اصلی اقتصاد و اداره را طالبان به رسمیت نمی‌شناسند. آنچه می‌ماند اقتصاد و فرهنگ روستائی است. این فرهنگ و اقتصاد به آب و باران وابسته است. از این‌رو باران و خشکسالی در دوره طالبان بسیار برجسته و بحث‌برانگیز می‌گردد.

طالبان نمی‌دانند که اگر افغانستان حتی هر سال برف و باران کافی داشته باشد، بدون خدمات و تعلیم و تکنالوجی کشور به رفاه نخواهد رسید. چرا که زراعت چنان می‌کانبیزه و محصولات زراعتی در جهان چنان فراوان شده است که با بیل و گاو، و حتی با تراکتور و ابزار ابتدائی ماشینی نمی‌توان آن قدر تولید کرد که رفاه به دست آید.

حال، خشکسالی و کمبود آب نقطه ضعف تبلیغات سیاسی طالبان شده است. باران و برف به قدر کافی نمی‌بارد و طالبان مردم را به دعا و نماز دعوت می‌کنند. جوی‌ها و چشمه‌ها کم‌آب و زراعت ناتوان است. در دوران غیرطالبانی هم خشکسالی و کم‌بارانی بود، ولی این‌قدر برجسته نمی‌شد، چرا که رابطه باران و اداره این‌قدر زیاد نبود. آن زمان نه مردم انتظار داشتند که زنان با نشستن در خانه به آسمان در زائیدن باران کمک کنند، و نه دولت تبلیغ می‌کرد که نان از آسمان می‌آید. کار و تلاش در قانون، اداره و اجتماع تبلیغ می‌شد.

ادامه حاکمیت طالبان بسیار پرهزینه خواهد بود. آنان که بارش آسمان را به رابطه امارت و خداوند نسبت می‌دهند، در بی‌برکتی و بی‌بارانی مسئولیت نمی‌گیرند. اگر قرار شود ملت بپرسد که ملا صاحب چرا در امارت شما باران نمی‌بارد و برف و برکت کجاست؟ جواب ملا این خواهد بود که گناه رعیت مانع باران است، این که زنان از کلکین خانه گاهی کوچه را نگاه می‌کنند یا هنگام خرید سودا ماسک نمی‌پوشند آسمان را به قهر کرده است. خواهند گفت که به دلیل شوق مردم به مکتب، که بدترین گمراهی‌هاست، آسمان به غضب شده است.

متأسفانه جمع بزرگی از وطندارن ما هم در محیط طالب‌زده باورشان نمی‌شود که آسمان به امارت و ناامارت کاری ندارد. برف و باران به اعمال آدم‌ها وصل نیست.

بعد از طالبان در کتاب‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، مقاله‌ها و جلسه‌ها باید بسیار آگاهی‌دهی شود که کسب دانش و مهارت، کار و ابتکار راه سیری و رفاه است. باید رمز و راز طبیعت را بفهمیم تا سنگ و خاک و آب و هوا را به خدمت گیریم. با دعا و زاری باران نمی‌آید.